

کردستان شناسی

سیمای بیجار گروس و مشاهیر آن

با

نگرشی بخش باور و ستاها

تألیف و تحقیق :

محمد علی کوشا

کوشا، محمد علی، ۱۳۳۱ -

سیمای بیجارگروس و مشاهیر آن بانگوشی به بخش ها و روستاها

تالیف: محمد علی کوشا. سنندج: دانشگاه کردستان، ۱۳۷۸

۸۴۸ص: نمونه، عکس، تصویر، (کردستان شناسی)

کتابنامه: ص [۸۳۷] - ۸۴۱؛ همچنین به صورت زیر نویس

۱- کردستان (استان) - تاریخ ۲- بیجار

الف- عنوان ب- عنوان: بیجارگروس و مشاهیر آن

۹۹۵/۴۲

۹ س ۵۵/ DSR

شابک ۷-۰-۹۲۱۵۱-۹۶۴ ISBN 964-92151-0-7



انتشارات دانشگاه کردستان

سنندج - خیابان پاسداران - سازمان مرکزی دانشگاه کردستان، تلفن: ۳-۶۰۰۶۰۰۶۰ فاکس: ۶۰۰۷۰۰

نام کتاب: سیمای بیجارگروس و مشاهیر آن

مؤلف: محمد علی کوشا، قم، تلفن: ۷۳۹۷۶۳

حروفچینی: نیک رایان، قم، تلفن: ۷۴۴۴۰۴

لیتوگرافی: الهادی، قم، تلفن: ۶۵۱۱۲۱

چاپ: امین، قم، تلفن: ۶۵۰۹۰۶

نوبت چاپ: اول، بهار ۱۳۷۸

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

خط روی جلد: علی اکبر فریدونی

خط صفحه اول: رضا آوجیان

قیمت: ۳۰۰۰ تومان



خط: علی کبیر زردی

۷۵

هدف این مرکز، پژوهش و ترویج فرهنگ ادب و رسوم منطقه، گردآوری آثار خطی علمی و ادبی و چاپ و نشر آثار نویسندگان و مترجمانی است که در جهت اهداف این مرکز تلاش می‌کنند به همین جهت نخستین اثر مدون را در این زمینه، تقدیم علاقه‌مندان می‌نماید تا گامی آغازین در این راه و فتح بابی برای همکاری دوستداران حفظ آثار میهن اسلامی باشد.

کتابخانه عمومی

میدان بهار گرس و مشاهیر کوه گرس، بخش کوه گرس

تلفن: ۰۲۶۱۰۰۰۰۰۰۰۰

۱۳۸۱

با سپاسگزاری و تشکر از آقایان ارجمند:

دکتر عبدالله رمضان زاده، استاندار کردستان،

دکتر جلال جلالی زاده، معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان،

و شورای پژوهشی دانشگاه کردستان

که زمینه چاپ و نشر این اثر را فراهم نمودند

محمدعلی کوشا



کتابخانه ملی و اسنادی ایران

تیران ۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰

خط روی جلد: خط نستعلیق

خط درون جلد: خط کوفی

تیران ۲۰۰۰۰

پیشگفتار ناشر

به نام خداوند جان و خرد

سرزمین کهنسال ایران مملو از گنجینه‌های غنی و سرشاری است که هنوز بسیاری از آنها ناشناخته مانده است و صرافان بازار معرفت نتوانسته‌اند به طور کامل گوهرهای آن را در معرض دید مشتاقان قرار دهند و هر چند تلاشهایی در این زمینه صورت گرفته ولی باز هم لازم است اساتید فن و پژوهشگران در این میدان توسن پژوهش را به جولان در آورند تا فایده بیشتری نصیب علاقه‌مندان گردد.

کردستان یکی از آن گنجینه‌هاست که از لحاظ فرهنگی و آثار باستانی ناشناخته مانده است و هموطنان ما اگر اطلاعاتی از آن داشته باشند منسجم و جامع نیست. البته در خارج از ایران مستشرقانی مانند مینورسکی را می‌توان نام برد که عمر خود را وقف خدمت به کردشناسی کرده، ولی در کشور ما تاکنون به صورت اصولی و دقیق چنین امری صورت نگرفته است. در این راستا دانشگاه کردستان به عنوان دانشگاه مادر در منطقه و بزرگترین مرکز علمی و فرهنگی استان، تصمیم گرفته انجام چنین کاری را جزء برنامه‌های پژوهشی خود قرار دهد و اقدام به تأسیس مرکز پژوهشهای کردستان‌شناسی کند که با استقبال فرهیختگان و پژوهشگران منطقه مواجه شد.

هدف این مرکز، پژوهش و بررسی در باره فرهنگ، آداب و رسوم منطقه، گردآوری آثار خطی، علمی و ادبی و چاپ و نشر آثار نویسندگان و مترجمانی است که در جهت اهداف این مرکز تلاش می‌کنند. به همین جهت نخستین اثر مدون را در این زمینه، تقدیم علاقه‌مندان می‌نماید تا گامی آغازین در این راه و فتح بابی برای همکاری دوستداران حفظ آثار میهن اسلامی باشد.

کتابی که در پیش رو دارید - سیمای بیجار گروس و مشاهیر آن - معرف گویای بخشی از کردستان به نام گروس - به مرکزیت بیجار - است که مؤلف فرهیخته با تحقیقی گسترده به تبیین ابعاد گوناگون تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فرهنگی آن پرداخته و برای نخستین بار «تاریخ گروس و مشاهیر آن» را به صورت مدون و منظم عرضه داشته و راه را برای دیگر پژوهندگان عرصه کردستان‌شناسی هموار ساخته است. از ویژگیهای این اثر «جامعیت کمی و کیفی» آن است. نویسنده کوشیده است نسب و نژاد گردان را همراه با پیشینه تاریخی آنان بشناساند و علاوه بر شهرشناسی و روستاشناسی منطقه به معرفی ده گروه از مشاهیر آن دیار از قرن ششم تا کنون همت گمارد و نمونه‌هایی از آثار آنان را - به ویژه در بُعد ادبی و هنری - عرضه نماید و کتاب را به ضمیمه اسناد تاریخی همراه با تصاویر و درج کامل فهرست مطالب، اعلام و مآخذ به پایان رساند.

دانشگاه کردستان ضمن ارج‌گزاری به تلاش و پژوهش مؤلف این اثر، از آثار پژوهشگران علاقه‌مند به کردستان‌شناسی در راستای احیای آثار گردان و تدوین و نگارش مجموعه کردستان‌شناسی و سرانجام، ارائه «دایرةالمعارف تاریخ و فرهنگ گرد» استقبال می‌کند.

انتظار می‌رود دیگر پژوهشگران ارجمند در زمینه کردستان‌شناسی - به ویژه شناساندن دیگر شهرهای کردستان - راه تحقیق را به همین سبک و سیاق ادامه دهند و به تبیین فکر و فرهنگ اصیل‌ترین قوم ایرانی یعنی گردان و نقش ماندگار آنان در حفظ میراث ارزشمند اسلامی و تمامیت ارضی ایران بپردازند.

معاونت پژوهشی دانشگاه کردستان

به نام آنکه کرد ایجاد عالم

ز بهر آدم و اولاد آدم

پیشگفتار

معرفت و شناخت «محیط اجتماعی» یکی از عوامل رشد و ارتقا در راستای بهره‌برداری هر چه بهتر از «نیروی انسانی» است. «محیط زندگی» در پیدایش و شکل‌گیری شخصیت انسانها به همان اندازه کارساز است که «وراثت» و «تربیت» در بالندگی و سازندگی او.

آدمی از بدو تولد با محیط زیست خود مأنوس بوده و آن را ظرف حیات و زندگی خویش دانسته و با جان و دل در سلامت، امنیت، بسط و توسعه آن کوشیده است. این دلبستگی و وابستگی علاوه بر جنبه فطری و غریزی، به عنوان «جایگاه مناسب رشد و نمو»، «مرکزیت آمال» و «نقطه تجمع دستاوردهای مادی و معنوی»، گویای اصالت و پایبندی به ملت است.

از این جهت هر کسی آب و خاک و فضای تربیتی - پرورشی خود را دوست می‌دارد و از موجودیت، دوام و پایداری آن دفاع می‌کند و بر طراوت، خرمی، شادابی، شکوفایی، بالندگی و زیبایی آن اصرار می‌ورزد. و چنین هم باید باشد، زیرا فکر و اندیشه، عقیده و آرمان، اخلاق و عادت و رفتار و کردار هر کسی در وهله نخستین، از فراورده‌های فکری - اجتماعی محیط زندگی او نشأت می‌یابد و سرمایه تجارت حیات خویش را بر محور سوددهی در ظرف زمان و مکان محیط زندگی اش به چرخش وامی‌دارد.

همان طور که علاقه و دلبستگی به خانواده و تلاش و کوشش در اعتلا و ارتقای آن، نشانگر غیرت و حمیت است، توجه و مهرورزی به «وطن» و «زادگاه» که خانواده‌ای بزرگتر و وسیعتر است بیانگر «اصالت» و «بازگشت به خویشین خویش» است.

حدیث شریف نبوی حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ^۱ و روایت علوی عُمَرَتْ الْبِلَادُ بِحُبِّ الْأَوْطَانِ^۲ گویای حفظ و نگهداری چنین ارزشی است و انسان اصیل بر همین مبنا زبانش به این سرود مترنم است که:

تا زبیر خاکی ای درخت برومند مگسل از این آب و خاک، رشته و پیوند
این وطن ما منار نورالهی است هم زبئی^۳ خواندم این حدیث و هم از زند^۴
آتش حبّ الوطن چو شعله فرزند از دل مؤمن کند به مجمره^۵ اسپند^۶*

با توجه به اینکه هر کسی مایه‌های وجودی‌اش را از محیط و موطن خویش می‌گیرد، از جهت وجدانی، خود را در قبال آن مدیون می‌یابد که آنچه را در سایه درخت برومند وطن به دست آورده، شکرش را به جای آورد و در ابعاد گوناگون برای رونق و شکوفایی و باروری‌اش بکوشد.

امروزه یکی از مهمترین شاخه‌های علوم اجتماعی، موضوع «شهرشناسی» و «روستاشناسی» است. که هریک در جایگاه خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. «وقتی که به مطالعه در سکونتگاههای مختلف شهری می‌پردازیم و در کشف

۱. قمی شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۲، ص ۶۶۸. یعنی دوستی وطن، جزء ایمان است.

۲. ابن شعبه حسن، تحف العقول: ص ۲۰۶. یعنی شهرها به دوستی وطن، آبادند.

۳. نبی: (به ضم نون و کسر با) قرآن، مصحف. نبی و نوی هم گفته شده، مثال از ادیب صابر:

به سوره سوره تورات و سطر سطر زبور
به آیه آیه انجیل و حرف حرف نبی

۴. زند: کتاب مذهبی زرتشت، شرح و تفسیر اوستا.

۵. مجمره: ظرفی که در آن آتش می‌ریزند، بخوردان، عود سوز، بوی سوز، آتشدان.

۶. اسپند: گیاهی است خودرو و دارای دانه‌های ریز که آنها را برای دفع چشم زخم در آتش می‌ریزند.

* این اشعار از مرحوم میرزا صادق خان ادیب الممالک فراهانی است. به نقل از مجله یادگار، سال سوم، شماره

تضادهای فضای جغرافیایی آنها می‌اندیشیم، آیا می‌توانیم از کنار محلات درد آفرین شهرها، آنجا که شهرگرایی افراطی با تمام تضادهای اجتماعی پی افکنده و به عنوان محلات حاشیه‌نشین، آلودگ‌نشین و زاغه‌نشین و حلبی‌آباد ریشه دوانده و قد علم کرده است، بی تفاوت بگذریم؟ و به تحقیق ناهنجاریهای اجتماعی، اقتصادی این محلات که زاده روابط تولیدی و اقتصادی نامتعادل روستا از سوی و معلول قدرت کاذب شهرهای بیمارگونه کشورهای جهان سوم از دیگر سواست، نشینیم؟ تا جنگ جهانی دوم، روستاها نه تنها در کشورهای جهان سوم، حتی در ممالک صنعتی نیز به مراتب کمتر از شهرها تابع عمران آگاهانه بوده‌اند، و بسا عمرانهای روستایی، فردی، خودسرانه و فارغ از قلمرو یک سیاست کلی و ملی انجام گرفته و موجب عدم تعادلهایی در محیطهای روستایی شده است. بنابراین نخستین گامی که در این مسیر بایستی برداشته شود، ایجاد تعادل بین محیط طبیعی و جغرافیایی روستا با محتوا و نیروهای زنده آن است. بی‌گمان کارشناسان جغرافیایی در آفرینش این تعادل نقش به‌سزایی دارند.^۱

اما تحقیق و به دست آوردن اطلاعات لازم در مورد شهر و روستا، تنها متوجه بعد اجتماعی و اقتصادی آن نیست، مسئله اصلی و زیربنایی تغییر ساختار فکری و فرهنگی این دو است. باید برای کشف هویت فرهنگی و حفظ اصالت و نگهداشت فرهنگ اصیل دینی - اجتماعی و بازگشت آن دو به سوی خویشتر خویش چاره‌ای اندیشید. بنابراین یکی از علل عمده ضرورت شناخت محیط اجتماعی به گمان نگارنده این سطور، «احیای فرهنگ اصیل خویش بر اساس باورهای ناب اسلامی» و «حفظ ارزشهای قومی حاکم بر روابط اجتماعی» و «برحذر داشتن از خود باختگی و تقلیدهای کورکورانه و گم کردن هویت ملی» است.

«وقتی که سخن از ملیت و فرهنگ و خاطرات ملی به میان می‌آید مبادا حمل

بر نژادپرستی شود. نباید فراموش کرد که نژاد پرستی پنداری نکوهیده و نامعقول است. اما در مقابل، دلبستگی به فرهنگ ملی و تاریخ و خاطرات مشترک قومی، احساسی خردمندانه و مایهٔ بقا و حیات ملت‌ها و پیشرفت فرهنگ بشری است. تصور نژاد خالص و اندیشیدن بدان و نفرت از اقوام دیگر، خیالی باطل و کودکانه و نفرت‌انگیز است. امروز در دنیا کمتر می‌توان نژاد خالصی یافت، در هزاره‌های گذشته توده‌های انسانی، پهنهٔ کرهٔ خاکی را در نور دیده‌اند و با هم در آمیخته‌اند و از این راه فرهنگ‌های بزرگ پدید آمده و رشد کرده است. سرزمین ما نیز در درازای هزاره‌ها در گذرگاه حوادث جای داشته و از هر سوی مورد هجوم اقوام و قبائل کوچ‌نشین بوده است. مهاجمان آمده‌اند و رفته‌اند و آنهاکه مانده‌اند با ساکنان آن سرزمین در آمیخته‌اند و ایرانی شده‌اند. وقتی آریایی‌ها در فوج‌های پیاپی در رسیدند با بومیان که فرهنگ‌های گونه‌گون و گاهی پیشرفته داشتند همزیستی گرفتند و زندگی تازه‌ای یافتند. بعدها هم اقوام و گروه‌های بزرگ و کوچک، چه به تاخت و دشمنی و چه به مهر و دوستی به این سرزمین آمدند و رفتند و اجزایی از وجود و فرهنگ خود بر جای نهادند که چون قطره‌ها یا جویبارهایی با دریایی بزرگ در آمیختند. ملت ایران و فرهنگ ایرانی حاصل این گذشته‌هاست و حوادث تلخ و شیرین گذشته نشان داده‌است که هیچ حادثه‌ای و تحریکی نمی‌تواند به همبستگی مردم این سرزمین لطمه‌ای وارد آورد.^۱

اما در مورد فرهنگ باید گفت: «یک انسان با فرهنگ، یا یک جامعه با فرهنگ، یعنی انسان یا جامعه‌ای که توانسته‌است عناصر فرهنگی را در خود پرورش دهد و در نتیجه ذهن بازتر و تخیل وسیعتر و حُسن روابط اجتماعی بهتری داشته باشد. به عبارت دیگر عیار و ارزش زندگی به وسیلهٔ فرهنگ افزایش می‌یابد. هر

چه میزان فرهنگ بالاتر باشد رابطه انسان با خود و جامعه خود و به طور کلی با جهان گرم تر خواهد بود، و زندگی از کیفیت والاتری برخوردار خواهد گشت.

بحران اجتماعی بر اثر یکی از دو حالت پیش می آید، یکی آشفتگی فرهنگی و دیگری عدم تعادل اجتماعی. فرهنگ به سرمایه معنوی یک قوم گفته می شود و این همه آثار ادبی و هنری و فکری را در بر می گیرد. آثار فرهنگی یک قوم، مبین میزان فعالیت و کوشش او برای دست یافتن به عمق و وسعت و گزیدگی در زندگی است که بدین گونه می توان گفت که هر قومی که با فرهنگتر باشد سرآمدتر است.^۱ با توجه به مطالب فوق، اکنون به قرآن بنگریم و ببینیم رهنمود خالق انسان برای انسان در مسئله رابطه او با محیط زندگی، فرهنگ و ملیت چیست؟ به طور کلی پیام هدایتی قرآن کریم در این باره این است که هویت و اصالت انسان بودن را به انسان بفهماند و جهان بینی او را از محدوده وجود خویش و مأوی و محیطش به فراسوی مرزهای گذشته تاریخ بکشاند؟

أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ^۲

«آیا در زمین نگریده اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده اند، بنگرند؟»

بنابراین بررسی زندگانی گذشتگان - بویژه آنانی که در همین آب و خاک ما زندگی کرده اند - لازم و ضروری است. و «سیر در زمین» نه تنها به معنای گردش و تفریح، بلکه در واقع به معنی «بررسی و تحلیل و ارزیابی و سنجش حالات گذشتگان» است که چه عواملی آنها را به ترقی و تکاپو واداشته و چه چیزهایی موجبات سقوط و انحطاطشان را فراهم آورده است.

در آیه دیگر برای دستیابی به این واقعیت، خداوند حکیم، فرمان و دستور به چنین پی جویی محققانه و تحلیل گرانه می دهد:

۱. اسلامی ندوشن محمد علی، فرهنگ و شبه فرهنگ، ص ۱۵-۱۷.

۲. یوسف/۱۰۹

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلُ^۱

«بگو در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده‌اند چگونه بوده است.»
و در آیه دیگر حتی بالاتر از بررسی و کنجکاوی در حالات گذشتگان و علت ظهور و سقوط تمدن‌ها، دستور به کارگیری فکر و اندیشه در پی جویی چگونگی خلقت موجودات و راز و رمز آفرینش را صادر می‌کند:

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ^۲

«بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده‌است؟»

و به راستی افق دیدی که قرآن به ما می‌دهد چقدر وسیع و پهناور است و چه زیبا ما را از تنگنای بینش محدود، به فراخنای جهان وسیع انسان و کرانه‌های دور دست و ناپیدای طبیعت می‌کشاند! چه بسا ما روزان و شبان، پدیده‌های گوناگون محیط اجتماعی را دیده‌ایم و بارها پیرامون خود و دیگران با چشمانی خیره نیک نگریده‌ایم و سالها شهر و روستا و زمینها و کشتزارها و ساختمانها و ادارات منطقه را مشاهده نموده‌ایم اما هرگز به فکر تحلیل و ارزیابی و کیفیت روابط و نتایج حاصله از کار - و در نهایت «هویت و اصالت» و «ملیت و ارزشهای معنوی قومی خویش» و «محتوای ارزشمند فرهنگی پیدا و ناپیدای خود» آن طور که باید و شاید بر نیامده‌ایم. و این همان حقیقتی است که قرآن کریم ما را متوجه آن می‌گرداند:

وَكَأَيِّن مِّن آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُمُرُونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ^۳

«و چه بسیار نشانه [عبرت] که در آسمانها و زمین است که بر آن می‌گذرند و [لی] از آن روی

برگردان‌اند.»

۱. روم / ۴۲.

۲. عنکبوت / ۲۰.

۳. یوسف / ۱۰۵.

با توجه به این پیام حیات بخش آسمانی، چرا ما غافل از چون و چند شهر و روستای خود و بالاتر از آن، به دور و ناآگاه از چهره‌های دانش و بینش آن در گذشته‌های دور و نزدیک باشیم؟

مگر نه این است که دیار گروس ما سرزمین تولید حیاتی‌ترین قوت لایموت انسانها یعنی گندم است؟

مگر نه این است که این سرزمین در برگیرنده طبیعت زیبا، مناظر دلربا، کوههای سر به فلک کشیده، چشمه‌ها، رودها، رودخانه‌ها و چشمه‌سارهای باصفاست؟

مگر نه این است این منطقه، بافنده و عرضه کننده فرشهای نفیس و پربهاست که در اتقان و استحکام گوی سبقت را از همه فرشهای ایران زمین ربوده و زینت بخش محافل و مجالس اعیان در داخل و خارج گردیده است؟

مگر نه این است که سرزمین کهن و تاریخی گروس، فرمانروایانی شایسته چون خلیل‌خان سیاه‌منصور، و جنگاورانی دلیر و شجاع و بیباک چون دولتیارخان دریادار بایندر، و حاکمانی مدیر، مدبر، کاردان و دانشمند چون حسنعلی‌خان امیرنظام، و ادیبانی توانا و شایسته چون محمدفاضل‌خان و زیورگروسی، و عالمانی ربّانی، فقیه و آشنا به علوم اسلامی چون آیت الله علامه شیخ عبدالحسین فاضل گروسی، و خطاطانی ماهر و هنرمند چون امیرنظام و معتمدالکتاب، در خود پرورش داده است؟!

پس چرا به گذشته خود و ارزشهای وجودی سرزمین و محیط اجتماعی خود ننگریم و این آیه‌ها و نشانه‌های پرارزش فرهنگ دیارمان را ارج و اعتبار ننهیم؟ آری این همه نقش عجب بر در و دیوار وجود

هر که فکرت نکند نقش بود بر دیوار!

پس راه ورود و تحقیق در این وادی باز است وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قَرْيٌ ظَاهِرَةٌ وَقَدْ زَنَّا فِيهَا السَّيْرَ سَبْرًا فِيهَا لَيْالِي وَأَيَّامًا آمِنِينَ^۱

«و در میان ایشان و آبادیهایی که خجسته‌شان داشتیم، آبادیهایی قرار دادیم و راه را میانشان به اندازه نهادیم که شبان و روزان در آنها آسوده‌خاطر بگردید.»

و بر همین اساس بود که این جانب به فکر تألیف و نگارش کتاب «سیمای بیجار گروس و مشاهیر آن با نگرشی به بخشها و روستاها» برآمدم. این کتاب در چهار بخش تدوین یافته است:

بخش اول: کردستان و پیشینه تاریخی آن.

بخش دوم: شهرشناسی گروس.

بخش سوم: مشاهیر گروس.

بخش چهارم: روستاشناسی گروس.

با آرزوی پیروزی و بهروزی برای همه هموطنان گروسی خدمتگزار به ایران اسلامی، امید است که این اثر نوین، مورد توجه علاقه‌مندان به مسائل کردستان شناسی قرارگیرد. خدای را شکر و سپاس که توفیق نگارش این کتاب را به مدت سه سال - با همه فراز و نشیبها و دشواریها - به من عطا فرمود. وَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَتْلُوَنِي ءَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ^۲

۲۷ فروردین ۱۳۷۶

محمدعلی کوشا

۱. سبأ/ ۱۸.

۲. نمل / ۴۰ «این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاس می‌ورزم یا ناسپاسی می‌کنم.»
آزماید تا مرا خلاق ناس
که به فضلش شاکرم یا ناسپاس